

مفهوم ایمان به غیب چیست؟ این باور چه اثری بر زندگی، روابط و رفتارهای ما دارد؟

ایمان به غیب چه نقشی در ساختار شخصیت و سبک زندگی ما دارد؟

ما برای یافتن مسیر درست در زندگی به نقطه‌ای ثابت و مطمئن نیاز داریم؛ نقطه‌ای که ما را از اضطراب و تردید رها کند و توان جهت‌گیری درست را در ما ایجاد کند. قرآن این نقطه را «ایمان به غیب» می‌نامد؛ باوری که شرط نخست هدایت و معیار استواری شخصیت ما است. غیب در نگاه قرآن مجموعه‌ای از حقایق پنهان و اثرگذار است که نظام عالم بر پایه آن‌ها اداره می‌شود؛ حقایقی مانند حضور خدا، فرشتگان، ملکوت، آخرت، بهشت، جهنم و احاطه عالم باطن بر عالم ظاهر؛ گرچه زندگی ما در ظاهر بر دوش اسباب مادی است، اما هیچ پدیده‌ای بدون فرمان غیبی و تدبیر ملکوتی رخ نمی‌دهد. بدانیم یا نه، همواره با غیب همراهیم و هرچه بیشتر این حقیقت را باور کنیم، جهت‌گیری زندگی‌مان دقیق‌تر و آرامش‌مان عمیق‌تر خواهد شد.

ایمان به غیب را نباید فقط اعتقاد به عالمی نادیدنی دانست؛ بلکه ایمان به غیب پذیرفتن این حقیقت است که عالم ظاهر و محسوس، سطحی‌ترین لایه واقعیت است و ریشه همه امور در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارد؛ اگر این حقیقت را نادیده بگیرد فهم ما از خود، خدا و عالم خلقت ناقص می‌شود و رفتارمان بر پایه محاسبات کوتاه‌مدت شکل می‌گیرد. اما کسی که تدبیر حکیمانه عالم غیب را باور کند، انتخاب‌ها، رفتارها و نگاهی به زندگی دگرگون می‌شود. ایمان چیزی فراتر از دانستن و به معنای به کار بستن دانایی و تبدیل آن به دارایی است. کسی که در عمل، به غیب باور و تکیه دارد، رضای خدا را بر رضای خلق ترجیح می‌دهد و سختی‌ها را بن‌بست نمی‌بیند.

باور غیب ریشه در حقیقت هستی و ساختار وجود ما دارد. در این درس به بررسی چیستی غیب، نقش آن در مسیر هدایت انسان، رابطه باور غیب با کشف حقیقت وجود، سازوکارهای پنهان اداره عالم و آثار پذیرش غیب در روابط و سبک زندگی انسان می‌پردازیم.

## چیستی غیب و نقش ایمان به غیب در مسیر هدایت

رشد در مسیر هدایت متناسب با معرفت و باور قلبی ما به غیب شکل می‌گیرد. کسی که به غیب، یعنی خداوند، فرشتگان، آخرت، بهشت و جهنم، ایمان نداشته باشد، نمی‌تواند در مسیر هدایت قدم بردارد. قرآن ایمان به غیب را از نشانه‌های اصلی مؤمن و نخستین شرط هدایت معرفی می‌کند؛<sup>۱</sup> به این معنا که معیار تشخیص مؤمن حقیقی با میزان حضور غیب در زندگی متناسب است. توان ما در سختی‌ها نیز به همین میزان وابسته است؛ همان‌گونه که در نماز می‌گوییم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».<sup>۲</sup> اگر این ذکر از حد تکرار لفظی فراتر نرود، ما به جای تکیه بر خدا سراغ نیروهایی خواهیم رفت که خود نیازمندند و نتیجه آن اضطراب و سرخوردگی است.

غیب در برابر شهود قرار دارد؛ یعنی آنچه با حواس ظاهری دیده نمی‌شود، اما در هستی نقش دارد. مجموعه‌ای از عوالم وجود همچون جبروت، ملکوت، عالم اسماء و فرشتگان بخشی از این گستره هستند. بهره‌مندی از هدایت‌های قرآن زمانی ممکن است که ما باطن این عوالم را باور داشته باشیم. کسانی که باور درستی به غیب ندارند، به تفسیر مادی و سکولار از قرآن روی می‌آورند و چون بُعد باطنی آیات را حذف می‌کنند، در فهم آن دچار خطا می‌شوند. بدون باور به غیب، نگاه ما به خود، عالم هستی، وحی و خداوند ناقص می‌ماند.

غیب ساختار و ترتیبی روشن دارد. تصور اینکه آخرت مکانی است که پس از دنیا پدید می‌آید، تصور درستی نیست. نظام خلقت از غیب آغاز شده و به ماده رسیده است؛ ابتدا «هو»، سپس الله، اسماء و صفات الهی، آفرینش نور اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان اولین مخلوقات و مثل‌اعلی،<sup>۳</sup> تعلیم قرآن به این انوار و در نهایت خلقت ما. قرآن در سوره الرحمن همین ترتیب را بیان می‌کند: «الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ». پیش از پیدایش دنیا، الگوی انسان کامل و مربی انسان با سلاح قرآن تجهیز شده است تا هیچ انسانی پس از ورود به دنیا بلا تکلیف نباشد. طبق این نظم، آخرت مقدم بر دنیا است و دنیا از دل آن بیرون آمده است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> ذَلِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...؛ سوره بقره، آیات ۲ و ۳

<sup>۲</sup> سوره حمد، آیه ۵

<sup>۳</sup> پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): أَوْلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، گردآورنده علی اکبر غفاری، هدایت الله مسترحمی و ...، بیروت-لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۴، ص ۱۷۰

<sup>۴</sup> امیرالمؤمنین (علیه السلام): الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ الْآخِرَةُ مُحِيطَةٌ بِالدُّنْيَا؛ دیلمی، حسن بن محمد، إرشادالقلوب، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۲۹۹

مؤمن کسی است که این گستره ابدی را همواره در نظر داشته و دنیا را پوسته‌ای بر حقیقت می‌بیند. غیب اگرچه دیده نمی‌شود، از ما جدا نیست؛ فاصله با آن یک حجاب است، نه فاصله مکانی. ایمان به غیب مانند وضعیت جنین در رحم است که جهان بیرون را نمی‌بیند، اما از آن جدا نیست. ارزش ما نیز در ایمان به حقیقت‌هایی است که دیده نمی‌شوند، اما اثرشان در زندگی آشکار است.<sup>۵</sup> قرآن پس از رفع شک، نخستین شرط هدایت را باور غیب و سپس اقامه نماز و انفاق ذکر می‌کند. ایمان حقیقی مسیر شادی، امنیت و رسیدن به نعمت‌های اخروی را هموار می‌کند و با فرایض ظاهری یا دین‌داری از سر ترس و عادت نمی‌توان به هدف رسید.

### رابطه ایمان به غیب و کشف من حقیقی

باور غیب فقط مربوط به عالم بیرون نیست. بخش مهمی از غیب درون خود ما قرار دارد؛ بخشی که دیده نمی‌شود، اما حقیقت شخصیت ما را شکل می‌دهد. بدون شناخت این غیب درونی مسیر رشد آغاز نمی‌شود و بخش الهی وجود مجال بروز پیدا نمی‌کند.

نخستین گام برای ایمان و باور غیب، ایمان به غیب نفس است؛ اینکه ما حقیقت الهی نهفته در خود را بشناسد، با آن انس بگیرد و آن را دوست بدارد. هدف خلقت ما نیز توجه به همین بعد غیبی است؛ اگر زندگی ما فقط در محدوده جسم و خواسته‌های دنیایی تعریف شود، از مسیر انسانیت دور می‌افتد. ما باید «من الهی» خود را که مقصد و معشوقش خداست، بشناسیم؛ یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی نیز رشد همین بعد بوده است.

ظهور این حقیقت درونی آسان نیست؛ لایه‌های جسمانی، لذت‌های حیوانی و حتی برخی جنبه‌های عقلانی در برابر آن مقاومت می‌کنند؛ چون می‌دانند با آشکار شدن این بعد سلطه آن‌ها کم‌رنگ می‌شود. گاهی حتی عقل تحت فرمان وهم قرار می‌گیرد تا این حقیقت پنهان، آشکار نشود.

<sup>۵</sup> وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ؛ سوره بقره، آیه ۴

رابطه معرفت نفس و باور غیب روشن است. هرچه شناخت ما از حقیقت خود بیشتر شود، اتصالش به غیب آسان‌تر می‌شود؛ زیرا زبان من حقیقی، زبان غیب است. نمی‌توان با بخش حیوانی وجود نماز خواند و انتظار نور و آرامش داشت؛ این‌ها ثمره آشکار شدن همان من حقیقی است که خداوند دوستش دارد. از همین‌رو گفته‌اند: «کسی که نفس خود را نشناسد، هیچ‌چیز را نشناخته است.»<sup>۶</sup>

ایمان به غیب خویش یعنی باور به اینکه در درون ما حقیقتی نهفته است که اگر آشکار شود، زندگی ما را دگرگون می‌کند. کسی که این حقیقت را بیابد، سود برده است و کسی که آن را نیابد، حتی اگر همه‌چیز را بداند، در نهایت تهی‌دست خواهد بود.

### ایمان به غیب و سازوکارهای پنهان مدیریت عالم

عالمی که در آن زندگی می‌کنیم در ظاهر مادی است، اما تدبیرش در لایه‌ای پنهان به نام غیب جریان دارد. ایمان به غیب یعنی باور به اینکه هیچ پدیده‌ای، از حرکت سیاره‌ها و رفتار ذرات تا رشد گیاه و شکل‌گیری جنین، با سازوکارهای صرفاً مادی اداره نمی‌شود. عالم طبیعت پوسته‌ای است بر واقعیتی عمیق‌تر که ریشه آن در ملکوت قرار دارد.

ملائکه از مهمترین کارگزاران عالم غیب هستند و جزئی‌ترین امور حیات مانند جریان خون، پلک زدن، رویش مو، جذب غذا، انعقاد نطفه و حتی دگرگونی‌های روحی را مدیریت می‌کنند. زندگی ما با حول و قوه ملکوتی در جریان است<sup>۷</sup> و اگر این فیض لحظه‌ای قطع شود، ما توان هیچ فعالیتی نخواهیم داشت.

خواب نمونه روشنی از نزدیکی ما به عالم غیب است. در خواب بدن طبیعی کنار می‌رود و ما با بدن برزخی خود فعالیت می‌کنیم. نزدیکی این بدن به بدن مادی چنان است که گاه آثار لذت یا ترس برزخی به شکل واکنش جسمی بروز می‌یابد و نشان می‌دهد فاصله ما با غیب مکانی نیست؛ بلکه حجاب غفلت مانع دیدن آن است. اهل مجاهدت که بر بدن طبیعی مسلط شده‌اند، به دلیل کاهش همین حجاب‌ها، در بیداری نیز

<sup>۶</sup> لَا تَجْهَلُ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِمَعْرِفَةِ نَفْسِهِ جَاهِلٌ يَكُنُّ شَيْءًا؛ آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، مترجم هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۹۹  
<sup>۷</sup> «يَخُولُ اللَّهُ وَقُوَّتُهُ أَقْوَمٌ وَأَقْعُدُ» و «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

برخی حقایق غیبی را می‌بینند؛ هرچه آلودگی درونی کمتر و توجه ما به غیب بیشتر شود، ادراک ما از غیب قوی‌تر می‌گردد.

اعمال ما نیز در دستگاه غیب معنا پیدا می‌کنند. عبادت، ذکر، دعا، نماز، زیارت، انفاق، صبر و محبت فقط رفتارهای ظاهری نیستند؛ بلکه صورت غیبی دارند و نورشان همان لحظه در نفس ما فعال می‌شود؛ اگر کسی این اثر را احساس نکند از غفلت است، نه از نبودن اثر. طبق ارتباط قبر و نفس، هر عمل بلافاصله صورت غیبی خود را در جان ما فعال می‌کند. کسی که حضور اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و فرشتگان را همراه خود می‌بیند، سختی‌ها را آسان‌تر تحمل می‌کند؛ زیرا اثر این همراهی را در جان می‌چشد.

نیروهای غیبی در تاریخ نیز نقش همیشگی داشته‌اند. قرآن از یاری مؤمنان به وسیله سپاه نادیدنی سخن می‌گوید.<sup>۸</sup> پیامبران در ظاهر تنها بودند، اما با اتکا به غیب مسیرهای بزرگ تاریخ را ساختند. فرشتگان در جنگ‌ها نازل شدند، دل‌ها در دعوت‌ها آماده گردید و در گرفتاری‌ها امدادهای غیبی رخ داد. ایمان به غیب یعنی اعتماد به همین دستگاه الهی که در پشت صحنه جهان فعال است.

کسی که به غیب ایمان دارد، زندگی خود را وابسته به اسباب محدود نمی‌بیند و باور دارد هزاران عامل پنهان در جهان جاری است. چنین فردی در عبادت و زندگی روزمره از نور اعمال خود بهره می‌گیرد و می‌داند عالم غیب همواره همراه ماست و با کنار رفتن پرده‌های غفلت می‌توان این همراهی را دید.

### آثار ایمان به غیب در روابط و سبک زندگی ما

ایمان به غیب یعنی خود را در احاطه حقیقتی پنهان ببینیم که همواره همراه ماست؛ چه به آن توجه کنیم و چه نکنیم. تفاوت در این است که برخی این همراهی را وارد محاسبات زندگی می‌کنند و برخی فقط بر توان محدود خود تکیه می‌زنند و همین نقطه آغاز اضطراب، رقابت بیمارگونه، خستگی و بی‌قراری است. خداوند نخستین شرط هدایت را «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» می‌داند؛ زیرا آرامش از همین‌جا شروع می‌شود.

<sup>۸</sup> (مَنْ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ حُنُودًا لَهُمْ تَرَوُهَا؛ سوره توبه، آیه ۲۶) و (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ حُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا؛ سوره احزاب، آیه ۹)

ایمان از ریشه «آمن» است و دل زمانی امنیت می‌یابد که بر خدا، آخرت، ملائکه و حساب تکیه داشته باشد.

کسی که غیب را باور ندارد، با کوچکترین نوسان دنیا دچار ترس و تردید می‌شود؛ اما مؤمنی که تکیه‌گاه غیبی دارد، در انتخاب‌ها و روابط خود نیز رفتار متفاوتی بروز می‌دهد. کسی که برای جلب نظر مردم، رضای خدا را کنار بگذارد به همان مردم واگذار می‌شود.<sup>۹</sup> این نگاه نشان می‌دهد که اتکا به اسباب ظاهری در نهایت فرد را بی‌پشتوانه‌تر می‌کند. معیار ارزش هر فرد به اندازه اتکای او بر غیب است.

باور غیب در روابط انسانی نیز اثر می‌گذارد. مؤمن، خود و دیگران را در محضر خدا، اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و ملائکه می‌بیند و رفتار خود را با قاعده «هو أنت، هو رسول الله و هو الله» تنظیم می‌کند؛ یعنی در برابر هر فرد، گویی در برابر خدا و رسول ایستاده است؛ از این رو نمی‌تواند رفتار تحقیرآمیز، خودخواهانه یا خشونت‌آمیز داشته باشد. روایت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که می‌فرمایند: «سائل فرستاده پروردگار است.»<sup>۱۰</sup> همین نگاه را تکمیل می‌کند. هرچه باور به غیب قوی‌تر باشد، رفتارهای ما رنگ الهی بیشتری می‌گیرند.

کسی که از غیب شادی، آرامش و قوت قلب دریافت نمی‌کند، هنوز به مرحله اتصال حقیقی نرسیده است. عبادتی که نور و بصیرت تولید نکند، صرفاً رنج جسم است. آثار ایمان باید در انتخاب‌ها، رفتار با خانواده، مدیریت بحران‌ها و آرامش روزمره دیده شود. امنیت نصیب کسانی است که ایمان به غیب دارند.<sup>۱۱</sup>

بی‌اعتمادی به غیب منشأ اضطراب، حرص، حسرت و ناامیدی است. کسی که ابدیت را جدی نگیرد با کوچکترین حادثه دنیایی فرو می‌ریزد؛ اما مؤمن، به دلیل سرمایه غیبی، حتی در سخت‌ترین شرایط امیدوار و متعادل می‌ماند. امام صادق (علیه‌السلام) هنگام شنیدن خبر وفات فرزندشان فرمودند: «منزه است خدایی که فرزندان ما را می‌کشد، ولی محبت ما به او بیشتر می‌شود.»<sup>۱۲</sup> این اوج امنیتی است که از ایمان به غیب حاصل می‌شود.

<sup>۹</sup> امام حسین (علیه‌السلام): مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ؛ ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، مترجم ابوالفضل هدیانی، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۳۹

<sup>۱۰</sup> السَّائِلُ رَسُولَ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَمَنْ أَعْطَاهُ فَقَدْ أَعْطَى اللَّهَ وَمَنْ رَدَّهُ فَقَدْ رَدَّ اللَّهَ؛ مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، قم، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۳

<sup>۱۱</sup> الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ؛ سوره انعام، آیه ۸۲

<sup>۱۲</sup> شَيْخَانٌ مَنِ يَفْتُلُ أَوْلَادَنَا وَ لَا نَزَادُ لَهُ إِلَّا حُبًّا؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، گردآورنده هدایت‌الله مسترحمی، علی‌اکبر غفاری، محمدباقر بهبودی و... بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۴۷، ص ۱۸

ایمان به غیب یعنی پذیرفتن اینکه ریشه همه‌چیز در لایه‌ای پنهان قرار دارد. این باور شرط نخست هدایت و اساس امنیت، آرامش، تصمیم‌گیری درست و شکل‌گیری شخصیت است. هرچه ایمان ما به این ریشه باطنی عمیق‌تر شود، نگاهمان به دنیا، روابط و مشکلات متفاوت خواهد بود و بخش الهی وجودمان مجال ظهور بیشتری پیدا می‌کند.

شما چه تعریفی از غیب و باور به آن دارید؟ آیا ایمان به حقایق نادیده اثری بر زندگی و نوع نگرش شما به عالم خلقت داشته است؟ نظرات خود را با در میان بگذارید.